

الله  
الرحمن الرحيم  
وصلى الله على محمد وآلـه الطـاهـرـين



# چهره جدید امنیت در حاوار میانه

تدوین: لی نور جی. مارتین

ترجمه: قدیر نصری

با مقدمه

دکتر محمود سریع القلم



## فهرست مطالب

۱۳.....	مقدمه
۱۷.....	پیشگفتار
۲۱.....	دیباچه (مترجم)

### بخش اول: چارچوب تئوریک

#### فصل اول: رهیافتی جامع برای مطالعه امنیت ملی در خاورمیانه / لی نور جی. مارتین

۳۳.....	مقدمه
۳۴.....	۱- رهیافتهای نظری در بررسی مفهوم امنیت ملی
۳۴.....	۱-۱. رهیافت رئالیستی
۳۵.....	۱-۲. رهیافت لیبرالی
۳۷.....	۲-۱. رهیافت سوم
۳۸.....	۲-۲-۱. رهیافت ترکیبی
۳۹.....	۲-۲-۲. تعریف متغیرها
۴۳.....	۱-۲-۱. توانمندی نظامی
۴۴.....	۱-۲-۲. مشروعيت سیاسی
۴۵.....	۱-۲-۳. تساهیل قومی - مذهبی
۴۶.....	۱-۲-۴. توانمندی اقتصادی
۴۷.....	۱-۳-۱. دسترسی به منابع طبیعی حیاتی
۴۸.....	۱-۴. متغیرهای لحاظ نشده
۴۹.....	۱-۵. نقش عوامل منطقه‌ای در انتخاب متغیرها
۵۲.....	۱-۶-۱. نتیجه‌گیری
۵۵.....	منابع و یادداشت‌ها

## بخش دوم: مشرعیت سیاسی

فصل دوم: مشرعیت سیاسی و جعل تاریخ؛ مطالعه موردنی عربستان سعودی / مداوی الرشید	
مقدمه.....	
۶۱.....	
۶۲. دولت و تحریف تاریخ.....	
۶۴.....	
۶۷. روایات تاریخی (اسلام، وهابیت).....	
۷۸.....	
۷۸. گروههای سیاسی مخالف و دولت سعودی.....	
۸۱.....	
۸۴. نتیجه‌گیری.....	
۹۰.....	
منابع و یادداشت‌ها.....	
فصل سوم: مشرعیت و امنیت در کشورهای عربی (۱۹۸۹ - ۱۹۹۶) / مصطفی کامل السعید	
مقدمه.....	
۹۵.....	
۹۵. تعریف امنیت.....	
۹۸.....	
۹۸. تعریف مشرعیت.....	
۱-۳. ارزیابی کمی میزان مشرعیت و امنیت دولت - جامعه.....	
۱۰۰.....	
۲-۳. سنجش مشرعیت و امنیت عمومی در پنج کشور عربی.....	
۱۰۴.....	
۳-۳. شاخص‌های سنجش مشرعیت.....	
۱۰۵.....	
۴-۳. تعداد زندانیان سیاسی.....	
۱۰۵.....	
۵-۳. ۲-۵-۳. تعداد افراد کشته شده در منازعات سیاسی.....	
۱۰۷.....	
۶-۳. آزادی بیان.....	
۱۱۰.....	
۷-۳. آزادی اجتماعات و تشکل‌ها.....	
۱۱۲.....	
۸-۳. آزادی شهروندان در فعالیت سیاسی.....	
۱۱۳.....	
۹-۳. انتقال مسالمت‌آمیز قدرت.....	
۱۱۵.....	
۱۰-۳. تبعید سیاسی و فرار سرمایه.....	
۱۱۷.....	
۱۱-۳. شاخص‌های سنجش میزان امنیت اجتماعی و امنیت ملی.....	
۱۲۳.....	
۱۲-۳. ۱-۶-۳. مدیریت موفقیت‌آمیز تهدیدات نظامی خارجی.....	
۱۲۳.....	
۱۲-۳. ۲-۶-۳. مدیریت موفقیت‌آمیز تهدیدات اقتصادی خارجی.....	
۱۲۵.....	
۱۲-۳. ۳-۶-۳. سطح پایین هزینه‌های نظامی نسبت به هزینه‌های رفاهی.....	
۱۲۷.....	
۱۲-۳. ۴-۶-۳. میزان جرایم.....	
۱۳۰.....	
۱۳-۳. امنیت اجتماعی و امنیت ملی: ملاحظات پایانی.....	
۱۳۲.....	
۱۴-۳. تلفیق مشرعیت با امنیت اجتماعی و امنیت حکومت.....	
۱۳۴.....	

۱۳۷.....	۹-۳. نتایج آزمایشی
۱۴۱.....	منابع و یادداشت‌ها

#### فصل چهارم: چالش‌های سیاسی دولت‌های خاورمیانه در قرن بیست و یکم

۱۴۳.....	مقدمه
۱۴۵.....	۱-۴. اقتصاد سیاسی دولت‌های خاورمیانه
۱۵۴.....	۲-۴. سیاست‌های انتخاباتی
۱۵۵.....	۳-۴. انتخابات و اصلاحات سیاسی
۱۵۹.....	۴-۴. اقتدارگرایی و تدارک فضای باز
۱۶۷.....	۵-۴. اسلامگرایان و اصلاحات سیاسی
۱۷۹.....	۶-۴. اسلامگرایان و دگرسازی
۱۷۶.....	۷-۴. نتیجه‌گیری
۱۷۹.....	منابع و یادداشت‌ها

#### بخش سوم: تساهل قومی و مذهبی

۱۸۷.....	مقدمه
۱۸۸.....	۱-۵. تاملی تاریخی در سکولاریزاسیون و مذهب
۱۸۹.....	۲-۵. پایگاه اجتماعی، گسترش، ایدئولوژی و سازمان حزب رفاه
۱۹۷.....	۳-۵. حزب رفاه بر سریر قدرت: رویارویی سکولاریسم و اسلامگرایی
۲۰۱.....	۴-۵. توافق حزب رفاه
۲۰۶.....	۵-۵. علوفی‌ها
۲۱۳.....	۶-۵. نتیجه‌گیری
۲۱۵.....	منابع و یادداشت‌ها

#### فصل ششم: جایگاه قومیت در مسایل امنیتی ترکیه / عایشه گونش آی‌آتا، سنجرا آی‌آتا

۲۱۷.....	مقدمه
۲۲۱.....	۱-۶. کردها: از کنفرنگرایی در دستگاه خلافت تا شهروندی در نظام جمهوری
۲۲۴.....	۲-۶. نحسین شورش کردها و تحولات اجتماعی جنوب شرقی ترکیه
۲۲۶.....	۳-۶. ناسیونالیسم کردی و حزب کارگران کردستان

## ۸ چهره جدید امنیت در خاورمیانه

۶-۴. نیروهای امنیتی ترکیه و پ.ک.ک.....	۲۲۹
۵-۶. همبستگی و هویت قومی در محیط شهری.....	۲۳۴
۶-۷. بعد بین‌المللی مساله کردها.....	۲۳۸
۷-۸. مواضع سیاسی ترکیه در قبال مساله کردها.....	۲۴۲
۸-۹. نتیجه‌گیری .....	۲۴۸
منابع و یادداشت‌ها .....	۲۵۱

## بخش چهارم: توانمندی اقتصادی

### فصل هفتم: رونق اقتصادی در خاورمیانه: خیزش واقعی یا تداوم وضع موجود

/ سهراب شهابی، فریده فرهی

مقدمه .....	۲۵۷
۱-۷. شرایط در حال تغییر خاورمیانه .....	۲۰۹
۲-۷. اصلاحات در خاورمیانه: گزینه‌های پیش رو .....	۲۶۱
۳-۲-۷. برنامه‌های تعديل ساختاری .....	۲۶۵
۴-۲-۷. سرمایه خارجی .....	۲۶۸
۵-۲-۷. همکاری منطقه‌ای و کنترل تسليحات .....	۲۷۰
۶-۷. نتیجه‌گیری .....	۲۷۲
منابع و یادداشت‌ها .....	۲۷۷

### فصل هشتم: مولفه‌های اقتصادی امنیت در خاورمیانه:

#### گزینه‌های فراروی خاورمیانه در قرن بیست و یکم / جرج اوون

مقدمه .....	۲۸۱
۱-۸. خاورمیانه به عنوان واحد منسجم اقتصادی - سیاسی .....	۲۸۲
۲-۸. امنیت اقتصادی در خاورمیانه؛ رهیافت‌های تاریخی .....	۲۸۴
۳-۸. وضعیت کنونی و افقهای آتی امنیت در خاورمیانه .....	۲۸۸
۴-۸. چه باید کرد؟ .....	۲۹۰
۵-۴-۸. اتحادیه منطقه‌ای .....	۲۹۱
۶-۴-۸. همکاری درون منطقه‌ای .....	۲۹۱
۷-۴-۸. همکاری چندجانبه با اروپا .....	۲۹۳
۸-۴-۸. همکاری دوچانبه .....	۲۹۵
۹-۴-۸. همکاری جهانی .....	۲۹۵

## فهرست مطالب □ ۹

۲۹۶.....	۵-۸. چالش‌ها و گزینه‌های آتی
۲۹۸.....	۶-۸. نتیجه‌گیری
۳۰۰.....	منابع و یادداشت‌ها

### بخش پنجم: منابع طبیعی

#### فصل نهم: آب و امنیت در خاورمیانه؛

##### مطالعه موردی مناقشات اسرائیل - سوریه / هیلل آی شووال

۳۰۵.....	مقدمه
۳۱۰.....	۱-۹. آیا مناقشات بر سر منابع آب منجر به جنگ شده‌اند؟
۳۱۰.....	۱-۱-۹. اولین درگیری نظامی: ۱۹۵۳
۳۲۰.....	۲-۱-۹. دومین درگیری نظامی: ۱۹۶۵
۳۲۳.....	۳-۱-۹. جنگ شش روزه: ۱۹۶۷
۳۲۷.....	۲-۹. مدیریت مشترک منابع (آب): بررسی اقتصادی مساله
۳۲۹.....	۱-۲-۹. مسایل امنیتی سوریه - اسرائیل
۳۳۱.....	۲-۲-۹. ترسیم مرزها بر اساس ملاحظات امنیتی و اهمیت استراتژیک آب
۳۳۶.....	۳-۲-۹. اسرائیل، سوریه و لبنان: مناقشه به خاطر آب
۳۴۱.....	۳-۹. پیشنهادی اقتصادی برای حل بحران آب
۳۴۵.....	۴-۹. مسایل و اختلافات اسرائیل، اردن و فلسطین: منابع آبی
۳۴۹.....	منابع و یادداشت‌ها

### بخش ششم: توانمندی نظامی

#### فصل دهم: امکان سنجی پیدایش یک سیستم امنیتی مشترک در خاورمیانه / یائیر ایورون

۳۵۵.....	مقدمه
۳۵۶.....	۱-۱۰. رژیم‌های امنیتی: سخن اول
۳۵۹.....	۱-۱-۱۰. قراردادهای امنیتی
۳۵۹.....	۲-۱-۱۰. رژیم‌های همکاری امنیتی مشروط
۳۶۰.....	۳-۱-۱۰. رژیم‌های امنیتی عادی
۳۶۰.....	۴-۱-۱۰. رژیم‌های امنیتی مشترک
۳۶۰.....	۵-۱-۱۰. رژیم‌های امنیتی مبتنی بر همکاری تمام عیار
۳۶۱.....	۲-۱۰. تاریخچه رژیم‌های امنیتی: مطالعه موردی اعراب - اسرائیل

۳۶۴.....	۱-۲-۱۰. ساختار سیاسی
۳۶۵.....	۲-۲-۱۰. حدود جغرافیایی رژیم امنیتی مشترک
۳۶۶.....	۳-۲-۱۰. اهداف سیستم امنیتی مشترک
۳۶۷.....	۴-۲-۱۰. ابزارهای تحقیق سیستم امنیتی مشترک
۳۶۹.....	۵-۲-۱۰. اقدامات اعتماد آفرین دو جانبه و چندجانبه
۳۷۱.....	۱-۳-۱۰. بازدارندگی
۳۷۲.....	۴-۱۰. کنترل تسليحات
۳۷۳.....	۵-۱۰. سلاحهای کشتار جمعی
۳۷۶.....	۱-۵-۱۰. تاسیس مرکز مطالعه کانون‌های مناقشه
۳۷۷.....	۲-۵-۱۰. تاسیس مرکز مدیریت بحران
۳۷۸.....	۶-۱۰. معضلات و پیامدهای سیستمی
۳۷۹.....	۷-۱۰. امنیت دسته‌جمعی و امنیت مشترک
۳۸۰.....	۸-۱۰. پیمان دفاعی و امنیتی مشترک
۳۸۰.....	۹-۱۰. نقش ایالات متحده آمریکا
۳۸۱.....	۱۰-۱۰. نتیجه‌گیری
۳۸۳.....	منابع و یادداشت‌ها

### بخش هفتم: نتیجه‌گیری

فصل یازدهم: گذر به مرزهای نوین؛

ظهور چهره جدید امنیت در خاورمیانه / لی نور جی. مارتین

۳۹۵.....	مقدمه
۳۹۷.....	۱-۱۱. ترکیب و تلفیق متغیرها
۳۹۷.....	۱-۱-۱۱. مشروعیت سیاسی
۴۰۲.....	۲-۱-۱۱. تساهل مذهبی و قومی
۴۰۶.....	۳-۱-۱۱. توانمندیهای اقتصادی
۴۰۹.....	۴-۱-۱۱. منابع طبیعی استراتژیک
۴۱۱.....	۵-۱-۱۱. توان نظامی
۴۱۳.....	۶-۱-۱۱. سخنی با سیاستگذاران و امنیت پژوهان
۴۱۷.....	نمایه اعلام
۴۲۳.....	نمایه اصطلاحات
۴۳۱.....	نمایه اصطلاحات و لغات انگلیسی

«بسم الله الرحمن الرحيم»

وَلَقَدْ أَتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
فَضَلَّنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ

(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۵)

### سخن ناشران

بررسی تحولات امنیتی در خاورمیانه، بویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تغییر نظام امنیت بین‌الملل، از جمله موضوعات مهمی به شمار می‌آید که از وجهه و ابعاد مختلفی در ارتباط با منافع ملی جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. دانشگاه امام صادق ع و پژوهشکده مطالعات راهبردی که تاکنون متون متعددی را در این ارتباط تهیه و منتشر ساخته‌اند، چاپ دوم کتاب حاضر را از آن روی که نگرشی تخصصی، جامع و نیز متنی روان دارد، در دستور کار خود قرار داده‌اند. ناشران امیدوارند با نشر متون تخصصی مربوط به مطالعات امنیتی خاورمیانه، ضمن غنی‌سازی ادبیات این حوزه، بتوانند نسبت به طرح مسایل، روندها و موضوعات اساسی این حوزه در جامعه علمی - عملی جمهوری اسلامی ایران کمک نمایند و بدین وسیله با بهره‌مندی از نظرات کارشناسانه بومی، بتوانند راه نیل به بهترین استراتژی‌ها را برای تحقق اهداف عالی جمهوری اسلامی ایران، هموار سازند. در این راستا، ناشران با تشکر از مترجم محترم کتاب، ضمن تأکید بر این نکته که همه یافته‌های محققان در اثر حاضر لزوماً مورد تأیید نمی‌باشد؛ مطالعه آن را برای تمامی دانشجویان رشته مطالعات خاورمیانه و علاقه‌مندان به مباحث سیاست خارجی و روابط بین‌الملل توصیه می‌نمایند.

وَلَلَّهِ الْحَمْدُ



## مقدمه

موضوع امنیت ملی در هر کشوری به وضعیت، استحکام، قدمت و بینانهای ساختارهای داخلی آن کشور منتهی می‌شود. این ساختارها طیف نهادهای کارکردی مانند اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی را دربرمی‌گیرند. اینکه در یک کشور نسبت به کارکرد و اهمیت و بازدهی ساختارها چقدر فکر شده، در استحکام آنها مؤثر خواهد بود. اما استحکام ساختارها که در نهایت به استحکام امنیت ملی بازمی‌گردد، شاید در دو نکته قابل طرح باشد: اول اینکه تا چه اندازه ساختارها با منطق روندهای بین‌المللی سازگار است و دوم اینکه آیا مجموعه ساختارها ارزش افزوده‌ای برای کل کشور تولید می‌کند یا خیر؟ همان‌طور که ارزش یک فرد یا شهروند با شاخص کارآمدی و تولید (به معنای گستردگی کلمه) است، سنجش جایگاه یک کشور هم با سطح ارزش افزوده آن در مقایسه با دیگر کشورها صورت می‌گیرد.

با این چارچوب نظری، وضعیت ساختارها و امنیت ملی در خاورمیانه چیست؟ سنت و سنتفالی در تاسیس کشور - ملت هنوز به صورت گستردگی در کلیت منطقه خاورمیانه بسط نیافته است. نظام امپراطوری و نظام پادشاهی با تمایلات قبیله‌ای و عشیره‌ای، قرنها منطق سیاست و حکومت در خاورمیانه بوده است. طی چند قرن اخیر، منطقه خاورمیانه به صورت آهسته‌ای از فرد محوری به سیستم و سازمان محوری در حال

حرکت بوده است اما، به جز ترکیه و تا اندازه‌ای ایران، بقیه منطقه خاورمیانه به طور قابل توجهی هنوز با سنتهای امپراطوری، پادشاهی و عشیره‌ای در حوزه سیاست مدیریت می‌شود. ملاک اصلی سازماندهی سیاست در عصر جدید، ساختارهای حزبی و بوروکراسی عظیم دولتی است که جهت‌گیری‌ها و راهبردها را مشخص می‌کند و افراد برای کارآمدی و اطمینان از تولید ارزش افزوده آن تلاش می‌کنند. مشکل خاورمیانه به معنای گسترده آن است که هنوز فرد، منافع فرد و تمایلات فکری فرد مقدم بر منافع و تمایلات فکری احزاب و سیستم‌های اجتماعی و حکومتی است. حتی در منطقه آسیا، نقش فرد در قالب تقاضاها و خاستگاههای سیستم، قابل ارزیابی و اطلاع است. ریشه‌یابی اهمیت فرد در خاورمیانه به نظام قبیلگی و عشیره‌ای این منطقه بازمی‌گردد که از افغانستان تا مراکش برای قرنها حاکمیت داشته است. اگر قرار باشد سیستم به جای فرد، اولویت‌ها و جهت‌گیری‌ها را مشخص کند، طبعاً باید منافع جامعه اولویت پیدا کند. جامعه از طریق تشکلهای مختلف حزبی، صنفی و غیردولتی منافع خود را تعریف کرده و در قالب روابط‌ها نسبت به تحقق آنها اقدام می‌کند؛ در چنین سیستمی هر فردی باید خود و منافع خود را در قالب احزاب، اصناف، موسسات دولتی و غیردولتی تعریف و با همکاری دیگران سعی کند در صدی از آنچه که اهداف خود تلقی می‌کند، بددست آورد. در واقع، جامعه به معنای جدید آن یعنی روابط ساختارها و نهادها که به دلیل علني بودن این روابط‌ها، مجموعه جامعه سود برد، رشد نموده و ارزش افزوده پیدا می‌کند. نتیجه چنین روندی این خواهد بود که امنیت ملی یک کشور جزء منافع همه خواهد بود و عامه مردم در حفظ و رشد جامعه و نظام خود احساس مسئولیت خواهند کرد. در چنین وضعیتی امنیت ملی با امنیت جامعه و امنیت شهروندان تساوی پیدا می‌کند و حکومت با شریک کردن مردم در سرنوشت جامعه، برای خود و جامعه امنیت می‌خرد. بدین صورت حکومت نوعی ضمانت امنیتی ایجاد کرده و کشورهای دیگر، تلافسی منافع مردم و حکومت را نوعی بازدارندگی تفسیر خواهند نمود.

در مقابل چنین شرایطی، اگر تعریف از منافع و امنیت ملی به افراد برگردد و ساختارهای اجتماعی و اقتصادی ضعیف شده و توان ایجاد مشارکت عمومی را نداشته باشند، امنیت ملی در امنیت حکومت کنندگان خلاصه می‌شود و به جای رهنامه (دکترین)

امنیت ملی<sup>۱</sup>، رهنامه امنیت حکومت کنندگان<sup>۲</sup> رشد می‌کند و جامعه حاشیه‌نشین می‌شود. اساس استخوان‌بندی سیستم‌هایی مانند آلمان، فرانسه، ژاپن و انگلستان و به طور فزاینده‌ای مالزی، کره‌جنوبی و سنگاپور در این کانون نهفته است که حکومت، امنیت خود را با امنیت طبقه متوسط گره زده است. در چنین سیستم‌هایی بخش قابل توجهی از جامعه، منافع خود را در حفظ سیستم و دفاع از حکومت تلقی می‌کنند و این رابطه دو طرفه نه تنها باعث ایجاد امنیت ملی، بلکه زمینه‌ساز تولید ارزش افروده خواهد بود. بنابراین، در منطق جدید مملکتداری و سیستم‌سازی قرن اخیر، نکته اصلی اتصال امنیت ملی به ساختارهای اجتماعی است که فرد و افراد در آن نقش کمتری دارند و منافع نهادها، احزاب و تشکیلات صنفی و همین‌طور سیاست سازمان یافته اولویت دارند. جامعه در خاورمیانه بسیار ضعیف است و در مقابل، دولت و حکومت بر کل مسیل جامعه حاکمیت دارند. جامعه ضعیف و حکومت قوی از یک طرف به ضرر توسعه اقتصادی و سیاسی و از طرف دیگر تزلزل‌پذیری امنیت ملی متنه می‌شود. امنیت ملی که بر ساختارهای داخلی استوار نباشد و از حمایت همه جانبه شهروندان برخوردار نباشد، آسیب‌پذیر خواهد بود. حرکت از افکارفردی، تمایلات فردی و منافع فردی به سوی افکار، تمایلات و منافع حزبی، صنفی و جمعی می‌تواند ملاک مهمی در حرکت از وضع موجود خاورمیانه به وضعی بهتر باشد.

کتاب حاضر مجموعه مقالات بسیار مفیدی را در رابطه با وضعیت جدید خاورمیانه تدوین کرده است. نویسنده‌گان متخصص متعددی با گرایش‌های تخصصی گوناگون، زوایای مهمی از مسایل خاورمیانه را مطرح کرده‌اند. مقالات کتاب، هم به صورت موردنی و هم به صورت نظری، مسایل امنیت ملی را به تاریخ، جامعه، نظام اقتصادی، سیستم قبیله‌ای و قدرت نظامی ربط داده و سطح آن را در کل منطقه و در رابطه با کشورهای گوناگون به بحث گذاشته‌اند. از این منظر که کتاب سعی کرده امنیت ملی را صرفاً در قالب مفاهیم نظامی تعریف نکند و موضوع را از لایه‌های مختلف اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد، بسیار با اهمیت است و این نگاه جامعه شناسانه و اقتصادی در واقع

1. National Security  
2. Regime Security Doctrine

بنیانهای بحرانهای موجود در خاورمیانه را بهتر و عمیق‌تر مطرح می‌نماید. ترجمة دقیق و روان جناب آقای قدیر نصری که طی یک دهه آینده از چهره‌های شاخص آموزش و پژوهش در رشته علم سیاست خواهند بود، کار مطالعه و فهم متن را سهل نموده است. به سهم خودم از دقت و حسن انتخاب مترجم محترم تشکر می‌کنم و مطالعه این کتاب را به علاقمندان مسایل توسعه و همین‌طور مسایل خاورمیانه توصیه می‌نمایم.

محمود سریع القلم  
دانشگاه شهید بهشتی  
شهریور ۱۳۸۲

## پیشگفتار

خاورمیانه را می‌توان بین‌المللی‌ترین منطقه دنیاست. مسایل این منطقه، محل تداخل منافع بازیگران خارجی بوده و این تداخل با ساخت قدرت در درون کشورهای منطقه ربط وثیقی دارد. امروزه عواملی مانند منطق و شیوه توزیع قدرت در منظمه بین‌المللی، مشروعیت رژیم‌های حاکم و چالش سنت - مدرنیته، دوام یا زوال حکومت‌های منطقه را تعیین می‌کنند. در چنین شرایط پیچیده‌ای است که تهدیدات خارجی با آسیب‌پذیری داخلی هماهنگ شده و بحران و منازعه منطقه‌ای شکل می‌گیرد.

با توجه به این پیچیدگی، برای شناخت خاورمیانه باید به دو مقوله کلیدی توجه نمود: ۱) مسئله شناسی ۲) روش شناسی.

خاورمیانه‌شناس دوراندیش، ابتدا باید مشخص کند که مهمترین مسئله<sup>۱</sup> منطقه چیست؟ آیا تمرکز تلاشهای پژوهشی روی مسایلی چون حل اختلافات ارضی - مرزی، تمکین از ایدئولوژی مسلط، تدارک همگرایی منطقه‌ای و یا، جنبشهای نوین اجتماعی گره از کار این منطقه می‌گشاید؟ مطالعه اوضاع منطقه نشان می‌دهد که خاورمیانه همچنان در دوران گذر به سر برده و این دوره ممکن است دهها سال طول بکشد. مسئله اینجا با مسایل سایر ممالک و مناطق دنیا لزوماً یکسان نیست.

علاوه بر مسئله‌شناسی که ناظر بر فراست دانشگاهی خاورمیانه پژوهه می‌باشد، باید روش<sup>۱</sup> مناسب مسئله منتخب را کشف و استخدام نمود. والاترین و مهمترین مسایل، ممکن است در غیاب روشنی متناسب، به نتیجه لازم نرسند. «روش»، گویایی دقت، ظرفت و احتیاط علمی محقق است. اگر مسئله و روش در کنار هم به خوبی استخراج و استخدام شوند، حاصل پژوهش را می‌توان «علمی» قلمداد کرد.

کتاب «چهره جدید امنیت در خاورمیانه» ویراسته‌ی «لينور جی. مارتین»، در زمینه مسئله‌یابی و روش‌شناسی، کارنامه درخشنادی ارایه کرده است. امید است ترجمه این کتاب بتواند بخشی از ظرفیت‌های منطقه را به بحث و فحص گذارد و با طرح برخی مسایل و پرسش‌های مناسب، محققان و سیاستگذاران این حوزه را یاور باشد.

نویسنده‌گان این کتاب از استادان دانشگاه‌های ایران، مصر، آمریکا و ترکیه بوده و هر کدام، یکی از مسایل بنیادی منطقه را مورد بررسی قرار داده‌اند. سعی و عمد مترجم بر آن بوده تا ترتیب، سیاق و ترکیب واژگان کتاب را همان‌گونه که بوده به فارسی برگردانده و به استثنای برخی توضیحات داخل کروشه<sup>[۱]</sup>، همه مطالب آن را به خواننده فارسی‌زبان ارایه کند.

در پایان از تمامی اساتید و همکارانی که مرا در تولید و تکمیل این اثر یاری کردند، تقدیر می‌کنم. سپاس ویژه را تقدیم دکتر محمود سریع‌القلم می‌نمایم که حدود یک دهه، استاد اخلاق و تحقیق ام بوده‌اند. همچنین از معاون سخت‌کوش پژوهشی [وقت] پژوهشکده مطالعات راهبردی، آقای دکتر اصغر افتخاری تشکر می‌کنم که بسیاری از سختی‌های کار را برایم آسان ساختند. مسئولان [وقت] دفتر تحقیقات آقایان میرقاسم بنی‌هاشمی و مرتضی بحرانی تلاش زیادی در تصحیح و تکمیل این کتاب تقبل کردند: آقایان محمدعلی قاسمی و سید‌محمد‌کمال سروریان، پس از مرور متن و معادل‌ها، نکات ظرفی را یادآور شدند که بدین‌وسیله از این دو بزرگوار سیاستگذارم. همچنین بر زحمات و جدیت سرکارخانم پروین شیردل ارج می‌نهم که در تدقیق و ویراستاری متن یاورم شدند. برای خانم طالعی و خانم بیگدلی که در تایپ و تدارک این کتاب زحمات زیادی

قبل کردند، آرزوی عمری با عزت دارم. آقای فرامرز میرزا زاده در تدقیح یک فصل از این کتاب به یاریم شتافتند که از زحمات ایشان تقدیر می‌کنم. مسئولان [وقت] دفتر چاپ و نشر (آقایان خالدی و خادمی) امور فنی طرح، تکثیر و انتشار را به شایستگی قبل کردند و متن شایسته و پاکیزه‌ای را عرضه نمودند از ایشان و به‌طور کلی مدیران علم‌اندیش پژوهشکده مطالعات راهبردی [ودانشگاه امام صادق علیهم السلام] که چاپ دوم این اثر را در دستور کار قرار داده‌اند، بی‌نهایت سپاسگزارم. طبیعی است مسئولیت هرگونه نقص و کاستی در ترجمه حاضر، با مترجم است که با اشتیاق، نقد و نظر خوانندگان نکته سنج را ارج می‌نهاد.

قدیر نصری



## دیباچه(متترجم)

وضعیت خاورمیانه طی نیم قرن اخیر، حاوی تجربه گرانسنجی است که کشورهای این منطقه، آن را به هزینه‌ای سنگین به چنگ آورده‌اند. تدوین برنامه‌های آینده مستلزم توجه به این کارنامه عبرت‌آموز است. به نظر می‌رسد نخبگان خاورمیانه، در آغاز هزاره جدید نه در اندیشه گذشته‌ای غیرواقعی هستند و نه انگیزه تدارک آینده‌ای فراواقعی را دارند. نسل جدید نخبگان خاورمیانه با عقلانیت ویژه و مدرنی به مناسبات ثروت و قدرت می‌نگرند و گویا متوجه شده‌اند که دارا بودن کد استراتژیک، سرزمین وسیع و پهناور، جمعیت انبوه و مخازن ارزی مساوی با قدرت ملی نیست و همه اینها بدون فهم معنا، مبنا و منطقه جدید قدرت، ناقص است.

واقعیت این است که دولت‌های خاورمیانه با چالش‌های نوینی مواجه گشته‌اند که توفیق در آنها مستلزم فراسرت سیاسی و درک چهره جدید قدرت است. گویا این دولتها دیگر نمی‌توانند ثروت بدنهند و اطاعت بخرند، «مشروعیت»<sup>۱</sup> آنها به طرز بسی نظری با «کارآمدی»<sup>۲</sup> پیوند خورده است، زیرا مولفه‌های پیشین قدرت و امنیت، اهمیت تعیین کننده‌ای ندارند و چه بسا ممکن است مانع تولید پایدار و توسعه همه جانبه شوند. متأسفانه با وجود این چالش‌های بنیادین، همت و رهیافت جدی و جامعی برای

---

1. Legitimacy  
2. Efficiency

خاورمیانه پژوهی وجود ندارد و شناخت مردم و مسئولان منطقه از یکدیگر، لبیز از سوءتفاهم، نفرت و بیگانگی است. در حالی که ساکنان اصلی خاورمیانه، چنین احساسی دارند، شناخت شهر و ندان و بعضاً محققین سابر کشورها از این منطقه عجیب‌تر است. خاطره «مصطفی العقاد» کارگردان معروف عرب و سازنده فیلم‌های مشهوری چون «محمد رسول ...» و «عمر مختار» در این زمینه عبرت‌آموز و غم‌انگیز است. العقاد می‌گوید؛ «هنگامی که فیلم عمر مختار را در یکی از جشنواره‌های سینمایی امریکا به نمایش درآوردم، برای اولین بار در عمرم، دیدم که یک امریکایی برای یک عرب دست محی زند». <sup>(۱)</sup>

البته این تلقی مسبوق به عوامل و شرایطی است که از اختیار اعراب و مسلمانان خارج بوده، آنچه مایه تعجب و تأسف بیشتر است برداشت و باورهای مسلمانان منطقه خاورمیانه نسبت به همدیگر است. یک شهروند مصری راحت‌تر می‌تواند با یک امریکایی انس پیدا کند تا با یک شهروند عراقی!! به عبارت دیگر، در این منطقه دیوارهای بلندی از غربت و نفرت استوار گردیده و «گفتگو» کمیاب‌ترین کالایی است که در بازار سیاست ملتهاي خاورمیانه یافت می‌شود. به راستی راز این بیگانگی چیست؟ سیمای ملل منطقه در کتابهای آموزشی این کشورها چگونه ترسیم می‌شود؟<sup>(۲)</sup> چرا حجم تجارت خارجی این کشورها با یکدیگر، همواره کمتر از ۸ درصد کل تجارت خارجی آنها بوده است؟<sup>(۳)</sup> چرا صدور یک روادید برای اتباع این کشورها، بدین سختی رسیده است که شهروندان خاورمیانه ترجیح می‌دهند مثلاً برای سفر به الجزایر، ابتدا به فرانسه عزیمت کرده و پس از آن وارد الجزایر شوند؟ تعداد این قبیل پرسشها فراوان است، اما سوال مهمتر این است که چنین وضعیتی چرا پدیدار شده و تا کی تداوم خواهد یافت؟ چرا این تکوین، چگونگی تداوم و شرایط آتی چنین وضعیتی مستلزم شناختی است که بخشی از آن در «چهره جدید امنیت در خاورمیانه» پرداخته شده است.<sup>(۴)</sup> سیمای مطلوب یا معیوب خاورمیانه در پرتو توجه به سه اصل تعدد قومی، تفکر دینی و تدبیر سیاسی قابل ترسیم است.

حصول چنین شناختی در دوران جنگ سرد و حتی یک دهه پس از آن میسر نشد. طی این مدت خاورمیانه بیش و پیش از هر امر دیگری به «انرژی» و «منازعه» ترجمه

می شد.<sup>(۵)</sup> بحران دیرپایی فلسطین و جنگ های ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ اعراب - اسراییل، جنگ های داخلی در الجزایر، عراق، مصر و تونس، جنگ عراق - ایران و جنگ دوم خلیج فارس باعث شدند تا در خاورمیانه حداقل ۱,۸۵۰,۰۰۰ نفر جان خود را از دست بدهند.<sup>(۶)</sup> همچنین در فاصله بین جنگ جهانی دوم تا پایان جنگ خلیج فارس، ۲،۳۰۰،۰۰۰ دلار (به ارزش دلار امریکا در سال ۱۹۹۰) به اقتصاد منطقه زیان وارد شد، ضمن اینکه طی این مدت بیش از صد میلیون نفر از اتباع کشورهای خاورمیانه، خانه و کاشانه خود را از دست داده و آواره شدند. بحران ۹۱-۱۹۹۰ خلیج فارس که تبدیل به جنگی مدرن و همه جانبه گردید ۱۲۰ هزار نفر کشته و بیش از یک میلیون آواره بر جای نهاد. این جنگ بر دو کشور عربستان و کویت حداقل ۱۰۰ میلیارد دلار خسارت وارد کرد. جنگ عراق - ایران هم باعث شد تا دست کم ۳۰۰ هزار نفر قربانی شوند و اقتصاد دو کشور عراق و ایران، حداقل ۳۰۰ میلیارد دلار آسیب بیند.<sup>(۷)</sup> آخرین نمونه بحران در خاورمیانه، مساله عراق بود که در ابتدای سال ۲۰۰۳ اتفاق افتاد. در این جنگ، امریکا سبک نوینی از ممتازه را به نمایش گذارد و با صرف هزینه ای حدود ۲۰ میلیارد دلار و در عرض ۲۶ روز با کمترین تلفات (۱۲۹ نفر تا اشغال بغداد) عراق را به اشغال خود درآورد.<sup>(۸)</sup>

واکنش اعراب نسبت به چالش های فوق در قالب سه نظریه غربگرایی، اسلام گرایی و ملی گرایی ارایه شده است.<sup>(۹)</sup> گروهی از اندیشمندان عرب، علت اصلی اختلاف و عقب افتادگی در جهان عرب و خاورمیانه را دوری از غربیها می دانند و معتقدند علومی که امروزه در سراسر اروپا گستردگی می باشد، زمانی اسلامی بوده و بهترین روش بازی پس گرفتن آنها، مراوده داشتن با خارجی ها و رفتار خوب با آنهاست. به عقیده این اندیشمندان، راه اصلی رهایی از وضعیت فعلی «تغییر قوانین و سیاست ها» و «اجماع علماء و دولتمردان» است.

گروه دوم، عقب ماندگی ملت های خاورمیانه را معلول دوری از اسلام اصیل و درست دینی دانسته و معتقد بوده اند که اسلام اصیل تعارضی با مملکتداری امروزی ندارد و کشورهای اسلامی باید به اصل خویش بازگردند تا از فقر و ستم رهایی یابند. گروه سوم از نظریه پردازان بر آن بوده اند که علت اصلی ضعف و استیصال جهان عرب این

است که آنان از عصبیت برتر و سهل این وحدت و یکپارچگی یعنی زبان عربی دوری گردیده‌اند. از نگاه اندیشمندانی چون «عبدالرحمن البزار»، دین اسلام به زبان عربی نازل شده و زبان عربی زبان وحی است، فلذًا بازگشت به اصالت قومی و ملی، موجبات توسعه جهان عرب را فراهم می‌آورد.

با تداوم شکست‌های بی‌دریجی مسلمانان از یکسو و پیشرفت‌های برق آسای جهان صنعتی از سوی دیگر، گفتمانهای سه گانه فوق الذکر یکی پس از دیگری امتحان خود را پس داده‌اند. در حال حاضر مناسبات موجود منطقه‌ای و آهنگ نوین جهانی حاکی از ضعف و ناتوانی گفتمان ملی‌گرایی و قومیت محوری است و کشورهای خاورمیانه فاقد قدرت و فرصت توسل به ملی‌گرایی هستند، بنابراین پیروی از این شیوه نه میسر است و نه مطلوب. گفتمانهای دیگر یعنی غربگرایی و اسلامگرایی، بازیگران اصلی میدان سیاست خاورمیانه‌اند و کشاکش آن دو سرنوشت کشورهای منطقه را رقم می‌زنند. متأسفانه گرایش‌های افراطی در این دو گفتمان به انتخاب سیاست صحیح و منطقی در خاورمیانه، لطمه‌های جبران ناپذیری وارد ساخته است. جنگهای داخلی الجزایر و تحولات ترکیه نشان داد که غربگرایان و سکولارها، نسبت به حکومت اسلامگرایان انتقادات جدی دارند، حتی اگر اسلامگرایان به شیوه‌ای دمکراتیک به قدرت رسیده باشند، آنها به تعبیر یکی از روزنامه‌نگاران فیگارو، دمکراتها را از بین بردنند تا دمکراسی آسیب نبینند. از سوی دیگر فعالیت اسلامگرایان افراطی باعث ارایه ماهیت و چهره‌ای خشن از تعالیم دین اسلام شده است. قدرت یابی طیف تندرو اسلامگرایان مانند طالبان در افغانستان و حمایت برخی کشورهای مسلمان از این گروه، باعث تشدید رویارویی طیف سکولار با اسلامگرایان شد. اکنون بزرگترین تحول خاورمیانه که تمام عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی منطقه را تحت الشاع قرار می‌دهد، گسل پدیدار شده بین اسلامگرایی از یکسو و گرایش به غیردینی کردن امور(سکولاریسم) از سوی دیگر است.

چالش بین اسلامگرایی و سکولاریسم در خاورمیانه، یک تنفس و ستیزش عادی و مقطوعی نیست، چرا که کوچکترین برد و باختی بین طرفین، مستقیماً حیات عرفی - دینی آنان را متحول می‌کند. به عنوان نمونه، همانگونه که در مقاله‌های سوم، چهارم و پنجم این کتاب ملاحظه می‌شود، عرفی‌گرایان و اسلامگرایان روی مسایلی تنفس و مشاجره دارند

که به باورها و عقاید یک طرف (اسلامگرایان) مربوط می‌شود.<sup>(۱۰)</sup> نه طرفداران سکولاریسم می‌توانند علايق و تعلق خاطر خود به اصول لائیسیسم را نادیده بگیرند و نه اسلامگرایان حاضر و قادرند که در اصول و اعتقادات دیرین خود دست تحریف ببرند. بنابراین ستیزش‌ها و سازش‌های فکری مذکور، در عرصه سیاست بازتاب یافته است و در شرایطی که تأمین مازاد ملی و کسب جایگاه استراتژیک، از اولویت‌های اصلی خاورمیانه است. انرژی دولت و نیروهای اجتماعی مصروف تنש‌های بی‌پایان می‌شود. یکی از تبعات این ائتلاف انرژی، اوضاع نامساعد اقتصادی ممالک خاورمیانه است. آخرین آمارهای منتشر شده از سوی بانک جهانی نشان می‌دهد که کل صادرات غیر نفتی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا (با ۲۶۰ میلیون نفر جمعیت) کمتر از صادرات کشور فنلاند (با ۵ میلیون نفر جمعیت) است.<sup>(۱۱)</sup> درآمدهای ارزی اغلب کشورهای منطقه وابسته به صادرات منابع طبیعی، بخصوص نفت است. تحقیقات نشان می‌دهد که فروش آسان و ارزان نفت و توزیع ناعادلانه عایدات آن در جامعه به خاطر فشارهای بین‌المللی، تأمین‌کننده امنیت پایدار کشورهای منطقه نیست، و امنیت خاورمیانه دارای ابعاد و موازین جدیدی است که به شرح زیر در «چهره جدید امنیت خاورمیانه» تبیین می‌گردد:

۱) رهیافتی جامع برای مطالعه امنیت ملی در خاورمیانه

تبیین رهیافت‌های متدالول در امنیت پژوهی و تعجیز رهیافت مناسب برای شناخت خاورمیانه اولین مقاله مجموعه «چهره جدید امنیت در خاورمیانه» است که به قلم «لينور جي، مارتین» نوشته شده است. نویسنده این مقاله از روش رئالیستی و ليبراليستی در مطالعه امنیت نام می‌برد و ضمن شرح ويژگیها و كاستی‌های این دو رهیافت، رهیافتی جدید پیشنهاد و خاطر نشان می‌نماید که مسایل خاورمیانه با رهیافت رئالیستی و ليبراليستی قابل تحلیل نیست. رهیافت پیشنهادی نویسنده این مقاله نه مانند رئالیست‌ها فقط بر مولفه نظامی تأکید می‌کند و نه به سیاق ليبرالها، عوامل متعدد و متنوع را در شکل گیری امنیت خاورمیانه دخیل می‌داند. مارتبین معتقد است که برای تحلیل و تخمين امنیت خاورمیانه باید بر پنج مولفه ويژه تأکید نمود، این پنج مولفه عبارتند از: توانمندی نظامی، قابلیت اقتصادی، داشتن منابع حیاتی، مشروعیت سیاسی و رواداری (تساهنل)

قومی. نتیجه‌گیری نهایی مارتین این است که رهیافت جامع امنیت‌پژوهی در خاورمیانه فقط باید مولفه‌های پنجمگانه مذکور را مطمح نظر قرار دهد نه کمتر و نه بیشتر.

## (۲) مشروعيت سیاسی و جعل تاریخ

مشروعيت سیاسی و جعل تاریخ عنوان مقاله دوم کتاب است که به قلم «مداوی الرشید» نگاشته شده است. بحث اصلی الرشید این است که دولت عربستان سعودی، با تسلط بر نهادهای آموزشی و موسسات فرهنگی، اساطیر، روایات و داستانهای تاریخی را با هدف مشروعيت‌سازی برای خاندان سعودی، تحریف و پردازش می‌کند. نویسنده پس از شرح شیوه عمل دولت سعودی، به چالشی اشاره می‌کند که عمدتاً پس از جنگ خلیج فارس پدیدار شده است، بدین ترتیب که اسلامگرایان و شیعیان به عنوان رقبای دولت حاکم، تفسیر متفاوتی از گذشته مطرح می‌نمایند. به عقیده نویسنده، شکاف بین خاندان حاکم، اسلامگرایان و شیعیان عربستان مهمترین چالشی است که در قرن بیست و یکم پیش از این روی خاندان سعودی ظاهر خواهد شد. حوادث پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ صحت پیش‌بینی الرشید را نشان می‌دهد. اسلامگرایان افراطی به همان تاریخی استناد می‌کنند که رژیم حاکم می‌کند.

## (۳) مشروعيت و امنیت در کشورهای عربی (۱۹۹۷-۱۹۸۱)

این مقاله توسط «مصطفیی کامل السعید»، یکی از نظریه‌پردازان و محققان مسائل کشورهای عرب خاورمیانه، نوشته شده است. استدلال اصلی السعید این است که امنیت برخی کشورهای عربی مانند عربستان سعودی، مصر، عراق، لیبی و الجزایر تا حدود زیادی به مشروعيت رژیم حاکم بر آنها بستگی دارد. نویسنده با سنجش کمی شاخص‌های موثر بر امنیت و مشروعيت بدین استنتاج می‌رسد که در کشورهای مصر و الجزایر، منشأ ناامنی، اسلامگرایان هستند. در حالیکه در دو کشور عراق و لیبی، تحریم‌های خارجی مهمترین عامل ضعف و ناامنی به شمار می‌آید. به عقیده السعید، چالش‌های امنیتی کشورهای خاورمیانه، پس از وقوع جنگ دوم خلیج فارس صبغه جدیدی پیدا کرده است. به عنوان نمونه، مخالفان داخلی خاندان سعودی، دعوت از اجنبی‌های مسیحی توسط فهد را مورد توجه قرار داده و آن را عامل اصلی نامشروع شدن خاندان سعودی عنوان می‌کنند. اسلامگرایان مصر هم به این دلیل دولت مبارک را

نامشروع تلقی می‌کند که در جنگ دوم خلیج‌فارس با نیروهای امریکایی متعدد و علیه یک کشور مسلمان و عرب حمله‌ور شد. مقاله السعید یکایک یافته‌های فوق را با ارقام و آمار مستدل می‌کند و در نهایت اذغان می‌نماید که دو مفهوم مشروعیت و امنیت طی سالهای دهه ۱۹۹۰ پیوستگی تنگاتنگی داشته‌اند.

#### ۴) چالش‌های سیاسی دولتهاي خاورمیانه در قرن بیست و یکم

چهارمین مقاله کتاب توسط دو تن از جامعه‌شناسان برجسته به نام‌های «فرهاد کاظمی» و «اگوست ریچارد نورتن» به رشته تحریر در آمده است. سوال اساسی نویسنده‌گان مقاله مذکور این است که دولتهاي خاورمیانه با تمایل عمومی مردم به دمکراسی چگونه برخورد خواهند کرد؟ آنها معتقدند بسیاری از شعارها و تبلیغات متداول در کشورهای خاورمیانه، ظاهری است و این دولتها برای حفظ سلطه و تاج و تخت خود، ادای دمکراتها را در می‌آورند. نویسنده‌گان ضمن تبیین شیوه برخورد دولتهاي مصر، عربستان و الجزایر با اسلامگرایان، چنین نتیجه می‌گیرند که هر چند دولتهاي خاورمیانه در معرض مطالبات مردمی قرار دارند اما قدرت و قدمت دولت در خاورمیانه واقعیتی انکارناپذیر است. راه حل پیشنهادی مقاله این است که دول خاورمیانه هیچ راهی جز انجام اصلاحات سیاسی ندارند.

۵) گروههای مذهبی، سکولاریسم و مذهب، عنوان مقاله پنجم کتاب است که نقش شکافها و اختلافات مذهبی - سیاسی بر انسجام و امنیت ملی ترکیه را به بحث و فحص نهاده است. سه نیروی مهم که در این مقاله به عنوان بازیگران اصلی عرصه سیاست و امنیت ترکیه قلمداد شده‌اند عبارتند از: اسلامگرایان، سکولاریست‌ها و علویان. نویسنده‌گان ضمن تشریح مناسبات و ریشه‌های خصومت این سه نیرو، خاطر نشان می‌سازند که اتخاذ سیاست‌های تبعیض‌آمیز باعث شده است تا اسلامگرایان طرفداران خود را بسیج نمایند، از طرف دیگر علویان از بیم قدرت یافتن فزاینده اسلامگرایان به سکولاریست‌ها نزدیک شده‌اند. به عقیده نویسنده‌گان این مقاله، رقابت و تنفس بین این سه دسته باعث شده است تا امنیت ملی ترکیه آسیب‌پذیر شود. راه حل پیشنهادی مقاله این است که سیاستگذاران ترکیه باید در زمینه افزایش رشد اقتصادی، کارآمدسازی دستگاه اجرایی، مبارزه با فساد، حاکمیت قانون و افزایش مشارکت مردمی گامهای بلندتری بردارند، در

غیر این صورت دامنه تهدیدات داخلی و خارجی، اجتماعات، احزاب و دولت را با مشکلات جدی مواجه خواهد ساخت.

۱) مولفه های اقتصادی امنیت و نقش منابع طبیعی در توسعه پایدار بخش های آخر کتاب را به خود اختصاص داده است. در خلال این مبحث، نویسنده کانی چون سهراب شهابی و فریده فرهی پس از تشریح اوضاع اقتصادی ناسامان کشورهای منطقه، اراده و ظرفیت سیاسی را یگانه راه رهایی از معضلات امنیتی می دانند. راجر اوون هم در همین راستا، ضرورت همکاری منطقه ای را به عنوان پیش شرط امنیت قلمداد می کند. در همین راستا هیل شوال ضمن بر جسته سازی نقش منابع طبیعی در امنیت ملی و منطقه ای، نسبت میان آب و امنیت در خاورمیانه را مورد تحلیل و بررسی قرار می دهد. امکان سنجی ظهور یک «نظام مشترک امنیتی در خاورمیانه» واپسین بخش کتاب حاضر است که به قلم یائیر اورون نگاشته شده و به گزینه های پیش روی کشورهای منطقه ای در زمینه هماهنگی امنیتی اختصاص دارد. مارتین پس از تدوین و تحلیل مقالات فوق الگوی خود (رهیافتی جامع برای مطالعه امنیت ملی در خاورمیانه) را ارایه می دهد.

امید است خوانندگان و علاقمندان به مسایل خاورمیانه، از اطلاعات و دیدگاههای ارایه شده در این کتاب استفاده لازم را ببرند. خاورمیانه شناسی در ایران بسیار ضعیف و مبتنی بر مطالعات غیردانشگاهی و سیاسی است. در چنین شرایطی رهیافت، اطلاعات و داوری های ارایه شده در این کتاب بسیار ارزشمند و در نوع خود قابل توجه هستند.

قدیر نصری

### یادداشت‌ها

۱. گفتگو با مصطفی العقاد، نامه فرهنگ، شماره ۶ - ۵، پاییز و زمستان ۱۳۷۰، ص. ۱۵۲.
۲. عتریسی، طلال، چهره ایرانیان در کتابهای درسی کشورهای عرب، *فصلنامه خاورمیانه*، سال سوم، شماره یک، زمستان ۱۳۷۵، ص. ۸۱.
۳. نمونه این بی‌اعتمادی متقابل را می‌توان در میزان گردش سرمایه‌ها ملاحظه نمود. *ژروتمندان خاورمیانه* ترجیح می‌دهند سرمایه‌نقی و غیرنقی خود را به کشورهای اروپایی و آمریکا انتقال دهند. به عنوان نمونه فقط شش کشور عضو شورای همکاری خلیج‌فارس تا سال ۱۹۹۵ بیش از ۳۵۰ میلیارد دلار در غرب سرمایه‌گذاری کرده‌اند. این در حالتی است که کشورهای پیشرفته تمایل چندانی به سرمایه‌گذاری غیرنفتی در منطقه ندارند. رجوع کنید به: سریع القلم، محمود، نظام بین‌الملل و توسعه یافتنی جهان اسلام، منتشر شده در مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و توسعه، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶، ص ۴۳.
4. Lenore G. Martin, *New Frontiers in the Middle East Security*, London and New York, Macmillan Press, 1998, chap. 1.
۵. نصری، قدیر، نفت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۰.
6. Augustus Richard Norton, *Civil Society in the Middle East*, New York, EJ. Brill, 1995, p. 32.
7. Ibid.
8. Max Boot, The New American Way of War, *Foreign Affairs*, July – August, 2003, p.43.
۹. رجایی، فرهنگ، دانشوری و تمدن سازی؛ آبرت حورانی، *فصلنامه خاورمیانه*، شماره ۶، پاییز ۱۳۷۴، ص. ۱۹۷.
۱۰. به مقاله گونش و سنجر آی‌آتا در کتاب حاضر رجوع کنید.
۱۱. لطفیان، سعیده، آینده از آن ماست، *فصلنامه خاورمیانه*، سال چهارم، شماره ۳ و ۲، تابستان و پاییز ۱۳۷۶، ص. ۶۰.



بخش اول:

چار جوب توریک  
پ پ





## رهیافتی جامع برای مطالعه امنیت ملی در خاورمیانه

لی نورجی، مارتین (استاد علوم سیاسی و محقق مطالعات خاورمیانه در دانشگاه هاروارد)

### مقدمه

این که یک کشور امنیت ملی خود را در سیاست خارجی و جهت‌گیری بین‌المللی چگونه تعریف می‌کند، هم برای دولتمردان و هم برای دانشگاهیان موضوعی مناقشه‌برانگیز بوده است. رقابت ابرقدرت‌ها در زمان جنگ سرد، امنیت ملی را صرفاً در متغیرهای نظامی خلاصه کرد، اما به نظر می‌رسد این برداشت، در دوران پس از جنگ سرد، مناسب نباشد. فروپاشی شوروی، به رغم تمام توانایی نظامی‌اش، مشاجره بین واقع‌گرایان و لیبرال‌ها را رونق جدیدی بخشید. از بعد نظری، معضل رهیافت واقع‌گرا این است که می‌خواهد با تأکید بر یک عامل (نظامی)، تبیین جامعی از امنیت ملی ارایه کند، در مقابل معضل رهیافت لیبرال هم این است که در تعریف امنیت ملی، عوامل بسیار متعددی را دخیل می‌داند و به همین خاطر به تعریف مانعی از امنیت ملی دست نمی‌یابد.<sup>(۱)</sup>

برخی اندیشه‌گران کوشیده‌اند مشکل فوق را با طرح رهیافت سومی سامان دهند؛ امنیت ملی در رهیافت سوم از طریق تأکید اندک بر مولفه‌های نظامی و تأکید بیشتر بر عوامل غیرنظامی تعریف می‌شود که می‌تواند برای تبیین وضعیت کشورهای جهان سوم مناسب باشد.<sup>(۲)</sup> عوامل و متغیرهای مختلفی در این رهیافت مورد توجه و تأکید هستند. البته رهیافت حاضر مدعی نیست که این عوامل به بهترین وجه قادر به تبیین امنیت ملی

کشورها هستند. کوشش این مقاله بر آن است که برای افزایش قدرت توضیح دهنده‌گی رهیافت سوم، یک الگوی نوین مطالعه امنیت ملی پیشنهاد کند که شامل پنج متغیر کوچک اما منسجم (یک متغیر نظامی و چهار متغیر غیرنظامی) می‌باشد. هدف مقاله حاضر تبیین منطق متغیرهای مذکور و چگونگی تناسب و تعامل آنهاست.

مثالهای این مقاله اغلب از منطقه خاورمیانه انتخاب شده است تا فایده ونتیجه رهیافت سوم در تحلیل امنیت ملی کشورهای این منطقه آشکار شود. متفکران دیگر، می‌توانند این رهیافت را در مورد مناطق دیگر به کار گیرند. امیدوارم کاربرت این پارادایم جدید در مورد سایر مناطق دنیا، صحت و سقم آن را روشن سازد.

## ۱-۱. رهیافتهای نظری در بررسی مفهوم امنیت ملی

### اول. بحث آکادمیک در مورد امنیت ملی

هسته اساسی تحقیقات انجام گرفته در خصوص تعریف امنیت ملی، مفهوم «تهدیدات» به اضافه پاسخ‌هایی است که به سه پرسش کلیدی زیر داده می‌شود:

۱. هدف تهدید چیست؟
۲. منبع تهدید چیست؟
۳. ماهیت تهدید چیست؟

برای پرسش‌های فوق، پاسخ‌های متعددی می‌توان داد، تنوع تعاریف ارایه شده در زمینه امنیت در متون روابط بین‌الملل نمونه این مدعاست. این پرسش‌های متعدد در قالب دو رهیافت عمده قابل طبقه‌بندی است: رئالیست‌ها و لیبرال‌ها و پیروان این دو یعنی نورئالیست‌ها و نولیبرال‌ها.<sup>(۳)</sup>

### ۱-۱-۱. رهیافت رئالیستی

رهیافت رئالیستی بر تقدم امنیت نظامی در روابط بین‌الملل تأکید می‌نماید. این رهیافت طی دوران جنگ سرد، بر محاذل علمی و مراکز تصمیم‌گیری سیطره داشته است.<sup>(۴)</sup> از دیدگاه رئالیستی، نظام بین‌المللی عرصه مبارزه برای قدرت توسط دولتهاي حاكم به شمار می‌رود. رفتارهای بین‌المللی، جنگها و اتحادها همگی در جهت کوشش برای کسب

برتری و موازنه قدرت با رقیان است و با مطالعه ساختار نظام بین‌المللی می‌توان قدرت نسبی رقبا را پیش‌بینی کرد. از دیدگاه رئالیست‌ها، دولت‌ها با حفظ حاکمیت ملی و تمامیت ارضی، منافع ملی خود را دنبال می‌کنند.

تعریف واقع‌گرایان از امنیت، بسیار دولت محور<sup>۱</sup> است. در این رهیافت، دولت پدیده‌ای است که هم تهدید می‌کند و هم می‌شود. اغلب تهدیدها خاستگاه خارجی و ماهیت نظامی دارند و هدف تهدیدها عمدتاً تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کشورهاست. برای یک دانشمند و همچنین برای یک متخصص رئالیست در مسائل دیپلماتیک، بهترین توصیه جهت دستیابی دولت به امنیت ملی، عبارت است از احداث تأسیسات نظامی، تلاش برای برتری نظامی و سرانجام دستیابی به توازن نظامی. در طول جنگ سرد، این توصیه برای دستیابی به امنیت، حداقل در مورد ابرقدرت‌های جهانی به مفهوم گسترش مؤثر راهبردهای بازدارندگی بود. بازدارندگی هسته‌ای از طریق حفظ توانایی وارد ساختن ضربه دوم، بازدارندگی متعارف از طریق پیمان‌های مهمی در مورد خطوط مقدم اروپا و آمادگی نیروهای واکنش سریع برای تسخیر خطوط مقدم در موقع بحرانی حاصل شده بود.

با پایان ناگهانی جنگ سرد، بحران فکری در میان رئالیست‌ها رخ نمود چرا که رهیافت آنها نتوانسته بود فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد را پیش‌بینی کند؛ به همین ترتیب دانشمندان رئالیست سر تسلیم فرود آوردن و منتقادان آنها به طرح نظرات خود پرداختند.<sup>(۰)</sup> معضل نظریه رئالیستی تأکید آن بر توازن قدرت نظامی و پذیرش وضع موجود بازدارندگی دو سویه ابرقدرت‌ها بود. چنین برداشتی اجازه پیش‌بینی این را نداد که ممکن است یک ابرقدرت متلاشی شود و در نتیجه سیاست‌های بین‌المللی به سرعت متحول گردد.<sup>(۷)</sup>